ناشناخته های سیاست آمریکا تأثیرگذار و تغییر دهنده

مهدویان، هادی

هادی مهدویان‏ وجود عوامل ناشناخته ارزیابی دقیق سیاست‏های آمریکا را در چهار سال آینده و آثار اقتصادی آن را در سطح جهان و ایران دشوار می‏کند.به ویژه در مورد جمهوریخواهان‏ آمریکا،شمار این عوامل ناشناخته بیشتر و تعادل‏شان با یکدیگر پیچیده‏تر است.اینان‏ همواره دستورهای کار نهفته‏ای دارند که با آشکار شدن هر یک آثار عمیق آن نیز نمایان‏ می‏شود.یک نمونه از این سیاست‏های پیچیده جمهوریخواهان،حمله به عراق به بهانه‏ ممبارزه با تروریسم بود که به شد بر اقتصاد جهان اثر گذاشت.

به نظر می‏رسد آمریکا در دوره دوم حکومت بوش نیز،دست کم به مان شدت‏ پیشین،درگیرمسائل حوزه اقتصاد خواهد بود و کسری‏ تراز پرداخت‏ها و بودجه آن کشور نیز ادامه خواهد یافت. دلیل این امر نیز روشن است:آمریکا از سیاستی که در جهان در پیش گرفته و در آن غلتیده به سادگی امکان‏ رهایی نخواهد یافت.

بر این دو عامل باید مسأله دلار پایین و ارزان را نیز افزود. ترکیب این سه عامل و مشکلات داخلی اقتصاد آمریکا، چشم‏انداز مناسبی را پیشاروی جهان قرار نمی‏دهد. می‏توان چنین حدس زد که برابری دلار با سایر ارزها مانند یورو در بازارهای جهانی تغییر عمده‏ای نخواهد کرد و نسبت برابری این دو ارز کم وبیش بین 25/1 تا 30/1 باقی‏ خواهد ماند.همچنان که می‏دانیم این روند کاهش ارزش‏ دلار در برابر یورو البته اروپا بسیار بی‏حوصله و به شت‏ نگران و ناراحت کرده است.

در عین حال می‏دانیم که اروپا هم‏اکنون نیز فشارهایی‏ بر آمریکا وارد می‏آورد،ولی این کشور فشارهای وارده از سوی اروپا را با کشورهای آسیای جنوب شرقی منتقل‏ می‏کند.چنان که پیداست نمی‏توان انتظار داشت تغییر عمده‏ای در این وضعیت پیش بیاید.به عبارت دیگر دلار ارزان به معنای نفت بی‏ثبات و گران هم هست.به بیان یگر می‏توان گفت که بهای نفت،دست‏کم،دیگربه قیمت قبلی‏ باز نخواهد گشت و قیمت هر بشکه آن در سطح 32 تا 35 دلار باقی می‏ماند.

اما در چهار سال آینده چون چهار سال گذشته،درگیری‏های عمده بین آمریکا و خاورمیانه ادامه خواهد یافت و بدون تردید عرضه نفت نیز تحت تأثیر این سیاست‏ها قرار خواهد داشت.به تعبیری،کشورهای عربی نفت‏خیز،کشورهای خاورمیانه و کشورهایی که واردات نفت از ایران دارند،بی‏ثباتی بازار نفت را تجربه خواهد بود.چرا که تؤام شدن قیمت بالای نفت و دلار ارزان،سبب افزایش نرخ تورم در سطح جهان‏ می‏شود؛آن هم تورمی بالاتر از چند سال گذشته.

این همه در حالی است که سیاست هدفمند غرب برای کنترل تورم طی پنج سال اخیر مشکلات اقتصادی آمریکا در چهار سال بعد ادامه می‏یابد زیرا آمریکا از سیاستی که در جهان در پیش گرفته و در آن‏ غلتیده به سادگی امکان رهایی‏ نخواهد داشت

آنچه در موقعیت کنونی اروپا بدان دست خواهد یازید واداشتن آمریکا به اتخاذ یک‏ سیاست تعاملی است‏ موفق بوده است.مصداق موفقیت آن است که علی‏رغم جهش قیمت نفت،اقتصاد کشورهای غربی متحمل شوک سنگین نشد.در واقع با وجود افزایش بهای نفت در 18 ماه گذشته،برخلاف چالش‏های دهه 70 و 80 که با اندک تغییری در قیمت نفت،توزیع‏ انرژی جیره‏بندی می‏شد،این بار دلیل ظزفیت‏های بسیار بالیی که در اقتصاد غرب‏ تعبیه شده است،هیچ شوکی بر اقتصاد آن‏ها وارد نیامد.بر همین اساس می‏توان گفت‏ که قیمت‏های نسبی بالای انرژی و نفت هم زندگی را در غرب مختل نخواهد کرد.

جدای از ابعا سیاسی موضوع،تأثیر تداوم سیاست آمریکا بر اقتصاد ایران و در مجموع‏ کشورهای اوپک به دلیل قیمت‏های نسبی نفت،دلارهای‏ نفتی،تجارت خارجی و جریان سرمایه،سودمند خواهد بود و کشورهای اوپک از بابت اقتصاد و نفت‏ منتفع خواهد شد.ظرف دو سال گذشته در بازار پرنوسان‏ نفت،نزدیک به 150 میلیارد دلار درآمد اضافی عابد کشورهای نفت‏خیز شده است که کم و بیش نیز ادامه‏ خواهد داشت.بحث مورد توافق این است که حتی با کاهش احتمالی قیمت نفت،قیمت نسبی نفت آن در روند بلند مدت در سطحی بالاتر باقی خواهد ماند.

در بخش تجارت خارجی گر چه هزینه واردات ما به‏ دلیل گران بودن یورو سنگین‏تر شده است،اما به دلیل اینکه‏ از اواخر سپتامبر 2001 بخش قابل توجهی از ذخایر ارزی‏ کشور به یورو تبدیل شده است،با فزایش قیمت یورو ایران نیز منتفع می‏شود.

با وجود این بهره‏مندی،چگونگی پاسخ اقتصاد ملی به‏ شوک‏های نفتی نیازمند بحث جداگانه‏ای است.در مقاطعی که قیمت نفت از میانگین روند بلند مدت آن‏ پایین‏تر آمده،اقتصاد کشور را به گونه‏ای اجتناب‏ناپذیر با چالش روبه‏رو کرده است و اعمال سیاست انقباضی را بر اقتصاد ما تحمیل کرده‏است.این در حالی است که‏ سیاست ما در شرایط افزایش بیش از میانگین روند قیمت‏ نفت،الزاما انبساطی نیست.برای مثال همچنان که در سه،چهار سال گذشته شاهد بوده‏ایم‏ با ایجاد حساب ذخیره ارزی،به میان قابل ملاحظه‏ای از دامنه اعمال سیاست انبساطی‏ کاسته شد.در نتیجه آثار اقتصادی حاصل از افزایش درآمد نفت نیز کمتر مشهود بود.

به هر روی با وجود سودمندی‏های افزایش قیمت نفت برای کشورهای صاحب‏ نفت،این پرسش همچنان به قوت خود باقی است که در قبال تداوم سیاست‏های‏ آمریکا،اروپا در آینده چگونه سیاستی را در پیش خواهد گرفت؟به نظر می‏رسد آنچه‏ در موقعیت کنونی اروپا بدان دست خواهد یازید واداشتن آمریکا به اتخاذ یک سیاست‏ تعاملی است.